

مجازی نیز همانند سایر انجمن‌های ادبی، همواره با خطر خستگی، تنبلی یا بی‌انگیزگی رانی یا بانیان آن همراهند که گاه ممکن است به مرگ یا جوانمردی آن‌ها نیز بینجامد.

زمانه مدام عوض می‌شود!

درباره انجمن‌های ادبی مجازی

علیرضا بهرامی

مقدمه

زمانه عوض شده است؛ هر چه دور روزگار پیش‌تر آمده، خیلی چیزها تغییر کرده است. این تغییرها را در مظاهر زندگی انسان‌ها به وضوح می‌شود مشاهده کرد. از گستره‌ی عمیق تاریخ که بگذریم، در همین چند دهه‌ی گذشته، آنقدر دستخوش تحول بوده‌ایم که بسیاری از نشانه‌های زندگی روزمره، به خاطر‌هایی نوستالوژیک تبدیل شده‌اند. این تغییرها را در حوزه‌ی وسایل ارتباطی بیش از هر زمان دیگر می‌توان دید؛ و همچنین تغییرهایی که به تبع آن، در زندگی آدمی پدید آمده است.

امروز که این نوشتار با قلم روی کاغذ می‌آید، مصادف است با چهل سالگی «اینترنت». چهل سال پیش در چنین روزی بود که دو استاد دانشگاه در ینگه‌ی دنیا، در دو دانشگاه با فاصله‌ی چندصد کیلومتری، دو حرف درج شده در صفحه‌ی کامپیوترهای آن روزگار را - که قرار بود کلمه‌ای باشد - در آن واحد با هم به اشتراک گذاشتند؛ و این سرآغازی شد برای اشتراک‌گذاری‌ها و تبادل‌هایی در یک شبکه‌ی جهانی، که بسیاری از مظاهر و حتا مبانی علمی را با پیشرفت چشمگیری مواجه کرد؛ که البته تلاش انسان نیز در دستیابی به علوم جدید در حرکتی رو به جلو، اساساً در راستای تلاش برای دستیابی به ناشناخته‌ها یا تجربه نشده‌هایی است که می‌تواند به راحت‌تر شدن زندگی‌اش بیانجامد.

در ایران نیز پس از دستیابی عمومی به این شبکه جهانی، در نیمه‌ی دوم دهه‌ی ۷۰، اینترنت به عنوان ابزاری در جهت فعالیت‌های علمی، آگاهی‌رسانی عمومی و حتا تبلیغات و بازرگانی، به وسیله‌ای با قابلیت‌های قابل ارتقا در جهت به کارگیری در بسیاری از عرصه‌های تاکنون به کار گرفته نشده، روز به روز بیش از پیش خود را به جامعه‌ی ایرانی نمایاند.



انجمن‌های مجازی

از اواخر همین دهه بود که انجمن‌های مجازی (اینترنتی) ادبی نیز رفته رفته -ولو به شکل ناخودآگاه و در سیری تکاملی- حضور خود را به عنوان یکی از کارکردهای این عرصه‌ی ارتباطی نو، به جامعه‌ی فرهنگی اعلام کردند. کاربران اینترنت در آن زمان، سایت‌های اینترنتی با همت‌های شخصی افراد و البته با گرافیک‌ها و قابلیت‌های ساده را به خاطر دارند که برای نخستین بار، آثار ادبی، بویژه شعرهایی را به نمایش گذاردند که همزمان، علاوه بر آرایه آن‌ها به مخاطب، امکان دریافت دیدگاه حسی یا نقدی فنی او را هم در حد چند خط، فراهم کرده بودند. این نوع فعالیت، بعدها و با گسترش وبلاگ‌نویسی و ظهور سرویس دهندگان مختلف وبلاگی با پسوند‌های متنوع و خدمات رایگان، جایگاه جدی‌تری به خود اختصاص داد؛ تا آنجا که یکی از خبرگزاری‌های تازه تاسیس کشور که اتفاقاً آن‌ها هم از شکل سنتی تلکس به روش آرایه اخبار از طریق اینترنت روی آورده بودند سنگ بنای برگزاری بزرگداشت‌های مجازی بزرگان ادبیات را هم به بهانه‌هایی چون سالروز تولد یا درگذشت آنان، بنیان نهاد.

این انجمن‌ها و گردهمایی‌های مجازی، به دلایلی که محاسن آن‌ها محسوب می‌شود، روز به روز پیشرفته و جا افتاده‌تر شدند؛ از جمله‌ی این دلیل‌هاست این‌که: انجمن‌های اینچنین، اساساً محدودیت‌های زمانی را چه در زمینه‌ی ارائه آثار و تعداد آن، چه در زمینه‌ی حضور افراد مختلف، به میزان قابل توجهی درمی‌نوردد. دیگر محدودیت مشغله و بعد مسافتی نمی‌تواند دلیل حضور نیافتن تعداد بیشتری از علاقه‌مندان باشد؛ علاقه‌مندی که در این جا، اتفاقاً با صراحت بیشتری می‌توانند به اظهار دیدگاه‌های خود در مورد آثار آرایه شده بپردازند و به قولی، 'من' حقیقی خود را بیشتر عرضه کنند.

در چنین انجمن‌هایی، امکان ارتباط برقرار کردن‌ها بین افراد که در انجمن‌های ادبی پیشین گاه در محدودیت‌های زمانی و همزمانی قربانی می‌شدند، گسترش بیشتری می‌تواند داشته باشد. ابزارها و امکان‌های متنوعی در آرایه آثار و نقد آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد و برگزار کنندگان نیز از محدودیت‌های فراهم آمدن مکان برگزاری جلسه، تریبون و امکانات جانبی و بخصوص کسب مجوزهای بعضاً زمان‌گیر و فرصت‌کش در امان هستند.

از سوی دیگر، آثار و واژه‌های آرایه و نظرات ابراز شده نیز در لابه‌لای زمان گم نمی‌شوند و بعدها هم قابل دستیابی هستند. از احتمال بروز خطاهای سمعی و لفظی و نیز سوء تعبیرها و فهم‌های ناقص کاسته می‌شود و استعدادهای جدید نیز امکان عرضه‌ی بیشتری یافته، گاه به چهره‌های بنام - ولو به صورت مقطعی - تبدیل و به جامعه‌ی ادبی کشور معرفی می‌شوند. از این منظر به این نکته هم می‌توان اشاره کرد که انجمن‌های ادبی اینترنتی خیلی مرزبند نیستند و گاه یک صدا تمام مرزها را می‌شکنند و دنیا را درمی‌نوردد یا دست کم به مخاطبانی فراتر می‌تواند بیاندیشد.

البته انجمن‌های ادبی مجازی (اینترنتی) هم مانند هر اختراع دست بشر، در کنار حسن‌های خود، عیب‌هایی را هم به همراه داشته که گاه عوارضی را نیز به مصرف کنندگان آن منتقل کرده است. از جمله این که گاه چارچوب‌های ادب و اخلاق در چنین نشست‌هایی با تهدید و مخاطره مواجه می‌شود؛ که به نوعی به همان 'من' حقیقی برخی از افراد مربوط

می‌شود و البته حسن و عیب بودن این ثمره نیز بحث‌پذیر است. از دیگر مسائل، این که در انجمن‌های ادبی مجازی، ویژگی‌های موسیقایی کلام به شکل قابل توجهی به یک خلاء، تأثیرگذار تبدیل می‌شود. ضمن آن که مخاطب ممکن است از زیر بارش یار حسی هنر موجود در فضا ممکن است خارج بماند و خیلی تحت تأثیر آن قرار نگیرد.

از منظری دیگر، افرادی که برای حضور در یک انجمن ادبی برنامه‌ریزی و اختصاص زمان خاصی را در نظر می‌گیرند معمولاً جدیت بیشتری برای آن جلسه قابل می‌شوند که در انجمن‌های اینترنتی ممکن است تأثیر معکوس از خود به جای بگذارد. ضمن آن که افراد در ارتباط‌های حضوری معمولاً از حس اطمینان بیشتری برخوردارند.

از دیگر معضلات یا دست‌اندازی‌های موجود بر سر راه فعالیت انجمن‌های ادبی مجازی، محدودیت‌های رایج دنیای سایبر و حوادث غیر مترقبه مربوط به آن، یا دشواری‌های دستیابی به اینترنت و امکانات مربوط است که نمی‌توان از آن غافل بود. علاوه بر این، انجمن‌های مجازی نیز همانند سایر انجمن‌های ادبی، همواره با خطر خستگی، تنبلی یا بی‌انگیزگی بانی یا بانیان آن همراهند که گاه ممکن است به مرگ یا جوانمردی آن‌ها نیز بیانجامد. خصوصاً که گاه گردانندگان چنین انجمن‌هایی، از میزان استقبال از آنها غافل بوده یا به آن بی‌توجه شده، همه چیز را ممکن است با خواست یک نفر یا حوادث مربوط به او گره بزنند.

ضمن آن که همه‌ی انجمن‌های ادبی تازه تاسیس، از معضل احتمال مقطعی شدن رنج می‌برند؛ مضاف بر این که انجمن‌های مجازی هنوز مهلت آن را هم نداشته‌اند که چند نمونه‌ی پرباش را از خود به نمایش بگذارند و آبرویی از این رهگذر دست و پا کنند.

با همه‌ی این اوصاف، انجمن‌های ادبی اینترنتی، با همه‌ی محاسن و معایب، به نظر نمی‌رسد که هیچ‌گاه به طور تمام، جایگزین شکل سنتی انجمن‌ها شوند و همانگونه که تصور مرگ کتاب با ظهور تلویزیون و رادیو نادرست از آب درآمد انجمن‌های ادبی با حضور فیزیکی اعضا نیز گاه به مطلوبی خاطرمانگیز و خواستنی بدل می‌شوند. چرا که انسان در همان مظاهر زندگی‌اش هم چند سال پس از آن که آیارتمان نشینی را به سند مدرنیت تبدیل کرد، برای خانه‌های قدیمی و تمام ویژگی‌هایش دلتنگ شد و به دنبال مفری برای بازگشت به گذشته گشت. پس به انجمن‌های ادبی مجازی نیز باید به عنوان یک امکان مکمل نگریست که بودنش برخی از خلاها را پر می‌کند، اما هیچ‌گاه نمی‌تواند جایگزین تمام و کمالی باشد. هر چند این گونه انجمن‌ها در پس گرایش‌های مقطعی، حتا در جذب بخش‌هایی از دیدگاه‌های کلاسیک و بعضاً مقاوم دانشگاهیان نیز ولو در حوزه‌ی نقد ادبی تحت تأثیر خود گرفته و حضورش را ثابت کرده است، اما همواره با همان تهدیدی مواجه بوده که از آن به عنوان تعبیر وسایل ارتباطی یاد کردیم. روزگاری اینترنت، ابزارهایی چون تلگراف را به انباری تاریخ فرستاد، حالا در چهل سالگی‌اش، حتا ای‌میل را در تهدید امکان‌های ارتباطی جدیدی چون فیس‌بوک، توئیتر و امثالهم می‌بیند که شکل‌های بهنگام‌تری از ارتباط‌های فردی و جمعی را به نمایش می‌گذارند؛ بله، دوره و زمانه عوض شده است و مدام، چیزهایی را از دست می‌دهیم و چیزهایی را به دست می‌آوریم.

